

تر دیدهای آمریکا برای مسدود کردن پول‌های ایران در قطر

ایران هنوز به پول هادسترسی دارد

صبح روز پنجشنبه بود که برخی رسانه‌ها در آمریکا با اشاره به دیدار یک مقام وزارت دارایی این کشور با اعضای دموکرات کنگره، از مسدودشدن مجدد پول‌های منتقل شده به قطر متناثر جلوس حماس علیه اسرائیل خبر داده بودند. واشنگتن پست گزارش داده بود آمریکا با قطر به توافقی رسیده تا دسترسی ایران به شش میلیارد دلار پول آزادشده در توافق تبادل زندانیان که به قطر منتقل شده بود، متوقف شود. بر اساس گزارش واشنگتن پست که روز پنجشنبه ۲۰ مهر منتشر شد، دو منبع آگاه گفته‌اند معاون وزیر خزانه‌داری آمریکا این موضوع را به اعضای دموکرات مجلس نمایندگان آمریکا اطلاع داده است. هم‌زمان خبری از بانک مرکزی منتشر شد که در آن تأکید شده بود ایران به این منابع دسترسی دارد. در اطلاعیه بانک مرکزی آمده بود: «۱۰ میلیارد دلار منابع ارزی ایران در عراق و ۶ میلیارد دلار در قطر در دسترس بانک مرکزی قرار گرفته است. در همین حال، شبکه فاکس نیوز گزارش کرد که بیش از ۱۰۰ عضو جمهوری خواه مجلس نمایندگان آمریکا، در حال ارائه لایحه‌ای هستند که در پی حملات حماس به اسرائیل، ۶ میلیارد دلاری آزاد شده ایران را دوباره مسدودی کند. در آخرین اقدامات برای اخذ این تصمیم میچ مک کانل و تام کاتن، دو سناتور جمهوری خواه آمریکا، طرحی را تهیه کردند که خواستار مسدودشدن دوباره شش میلیارد دلار پول آزاد شده ایران در ازای تبادل زندانیان با آمریکا شده بود. به گزارش خبر آنلاین انتشار این گزارش‌ها با واکنش کاخ سفید روبه‌رو شد. جان کری، سخنگوی کاخ سفید، بعد از آنکه گفت شواهدی مبنی بر دخالت ایران در حملات حماس وجود ندارد، تأکید کرد: هنوز یک سنت هم از ۶ میلیارد دلار منتقل شده به قطر خرج نشده است. این در حالی است که صبح پنجشنبه والی ادنی می معاون وزارت دارایی آمریکا به اعضای مجلس نمایندگان گفته بود که این پول «به این زودی جایی نخواهد رفت». این اظهارات دوپهلوی که تکرار ادعاهای سابق آمریکا قبل از حمله حماس به اسرائیل بود، اذعان می کرد: «پول‌های آزاد شده هیچ‌وقت به حکومت ایران نمی‌رسد، بلکه فقط برای خرید اقلامی مثل مواد غذایی، دارو، لوازم پزشکی و کشاورزی از فروشندگان مورد تأیید آمریکا قابل استفاده است.» این حال، خبرگزاری رویترز به نقل از یک مقام ارشد آمریکا گزارش کرد: «ایران در آینده نزدیک به این منابع دسترسی نخواهد داشت.» در ادامه آنتونی بلینکن، وزیر امور خارجه آمریکا هم که به اسرائیل سفر کرده است، تأکید کرد که ایالات متحده به پول‌های منتقل شده به قطر نظارت کامل دارد و هیچ مقدار از این پول هنوز هزینه نشده است. بلینکن با تکرار ادعاهای قبلی گفت: «ما از حق نظارت بر این منابع برخورداریم و حق مسدود کردن آن را برای خود در نظر می‌گیریم.»

پایبسته نمایندگی ایران

این در حالی است که نمایندگی ایران در سازمان ملل متحد در بیابیه‌ای که واشنگتن پست منتشر کرد، نوشت: سناتورهای موردنظر و دولت آمریکا به خوبی آگاه هستند که نمی‌توانند از این توافق انصراف بدهند. این بیابیه اذعان می کند که «این پول متعلق به مردم ایران است که برای دولت جمهوری اسلامی ایران در نظر گرفته شده تا خرید مهمه اقلام ضروری و غیر تحریمی برای ایرانیان را تسهیل کند.» در همین راستا نوریوز، هم در خبری گزارشی رسانه‌های آمریکایی را رده کرد. نوریوز نیز گزارش داده بود «هیچ تغییری در بحث دسترسی ایران به منابع ارزی خود در بانک‌های قطر ایجاد نشده و قطعاً قبلی باقی‌ماند.»

اسطخ تحلییل

انتشار اخبار تأیید نشده از مسدودشدن پول‌های ایران در قطر چهار سطح تحلیل را مطرح می‌کند: نخست اینکه؛ دولت بایدن تحت فشار نمایندگان جمهوری خواه نزدیک به ترامپ و همچنین اسرائیل است تا اجازه ندهد ایران به پول‌های آزادشده در قطر دسترسی داشته باشد. حمله حماس به اسرائیل و ادعای حمایت ایران از این پول متعلق به مردم ایران است تا همین خواست نمایندگان کنگره در آستانه انتخاباتی است که حمایت مالی اسرائیلی‌ها برای دموکرات‌ها اهمیت دوچندان دارد. از طرفی یکی از مهم‌ترین دلایل قطع دسترسی ایران به پول‌های آزادشده مسدودشدن یا نشدن پول‌های ایران در قطر، نگرانی از واکنش ایران است. این واکنش می‌تواند در قالب تکرار بازداشت اتباع آمریکایی باشد یا واکنش ایران را در تشویق برای توسعه جبهه‌های جنگ علیه اسرائیل توسط حزب‌الله و انصارالله به دنبال داشته باشد. توسعه جبهه جنگ علیه اسرائیل لزوماً نمی‌تواند پای ایران را به معرکه جنگ باز کند. نکته سوم اینجاست که تقاب و خروج بایدن از توافق با ایران برای آزادسازی پول‌های بلوکه شده، اعتبار سیاسی آمریکا نزد جمهوری اسلامی را بیش از پیش خندشه‌دار خواهد کرد و احتمالاً مسدودی سیاسی و گفت‌وگو و مذاکره با ایران را تضعیف و این موضوع کاربرد ابزار دیپلماسی را تضعیف و دوار بی‌اعتمادی بین ایران و آمریکا را بلندتر خواهد کرد که درازمدت به زیان آمریکا است. در نهایت چهارمین نکته نیز اینجاست که شش میلیارد دلار پول‌های ایران در قطر در برابر فروش ۶۰ تا ۸۰ میلیارد دلار نفت ایران از زمان روی کار آمدن بایدن، مقایسه‌ای معنادار است که هزینه‌های پرهم‌خوردن توافق ایران و آمریکا برای آزادسازی پول‌های بلوکه شده را افزایش می‌دهد. به عبارتی دیگر با دست یافتن ایران به شش میلیارد دلار پول خود در قطر، خسارت کمتری به آمریکا وارد می‌شود.

شنبه
۲۲۰۰۷۰۰۲۱۴۰۲
۲۸ ربیع‌الاول ۱۴۴۵ / ۱۴ اکتبر ۲۰۲۳

سال پنجم
شماره ۱۶۶۷



آرمان ملی – **حمید شجاعی**؛ اواخر اسفندماه سال ۹۵ بود که

تعدادی از ادمین‌های کانال‌های تلگرامی توسط نهادهای امنیتی بازداشت شدند و این مساله آن زمان در جای خود بسیار سر و صدا به پا کرد، چنانکه بسیاری از نمایندگان اصلاح‌طلب مجلس دهم به پیگیری این مساله پرداختند و از علی لاریجانی رئیس مجلس وقت خواستند که به این موضوع ورود کند. چه اینکه آن زمان محمدرضا عارف رئیس فراکسیون امید مجلس نسبت به این مساله واکنش نشان داد و گفت: باتوجه به اصلاح‌طلب بودن همه بازداشت‌شدگان ادمین کانال‌های تلگرامی، شبهه سیاسی نبودن آن از بین رفته است. الیاس حضرتی دیگر نماینده اصلاح‌طلب مجلس نیز طی نامه‌ای خطاب به لاریجانی نوشت: از جایگاه خودتان به‌عنوان رئیس مجلس شورای اسلامی برای آزادی افراد بازداشت شده استفاده کنید. نمایندگان دیگر نیز به نوبه خود به این مساله واکنش نشان دادند. اما نکته اینجاست که دولت وقت حسن روحانی و به‌طور مشخص وزارت اطلاعات آن زمان رویکرد دیگری برگزید و حتی نمایندگان نیز حجت‌الاسلام محمود علی وزیر وقت اطلاعات را برای پاسخگویی به مجلس فراخواندند تا گره از مشکل ادمین‌های کانال‌های تلگرامی از جمله مجمع اصلاح‌طلبان، اصلاح‌طلبان نیز و اصلاحات نیز بگذشود شود. پرونده‌ای که ۹ مهتم داشت و در همان ابتدا دو نفر با قید وثیقه آزاد شدند و برای هفت نفر دیگر نیز کیفرخواست صادر شد و با قید وثیقه آزاد شدند. البته فروردین‌ماه سال ۹۶ حسن روحانی در جایگاه رئیس‌جمهور بیان کرد: «یکی از شیوه‌هایی که برخی‌ها به کار می‌برند و امیدواریم دیگر به کار برده نشود این است که اگر کسی را شنیه بخواهند احضار کنند، پنجشنبه می‌برند که دو شبی به قول برخی‌ها آب خنک مستحبی زندان را بخورد. حالا در صورت تعطیلات پیش از عید، عده‌ای جوان را دستگیر کردند، من همان زمان از وزیر اطلاعات گزارشی خواستم، ایشان براساس اطلاعاتی

بزرگداشت نیما کشوری

نیما کشوری که از فعالان سیاسی و رسانه‌ای و یکی از افرادی بود که در دستگیری دسته‌جمعی مدیران کانال‌های تلگرام نزدیک به اصلاح‌طلبان در اواخر سال ۹۵ بازداشت شده بود و دهم همراه سالجاری در دریای خزر جان خود را از دست داد در همین راستا مراسم بزرگداشت این فعال رسانه‌ای، سیاسی، حقوق‌دان و عضو سابق شورای مرکزی حزب جمهوریت، با حضور جمعی از شخصیت‌های سیاسی و اجرایی، دوستان سیاسی و حزبی نیما کشوری و چند تن از اعضای خانواده آن مرحوم، در مسجد مسلم‌ابن عقیل یوسف‌آباد برگزار شد. در این مراسم حجت‌الاسلام سیدمحمود علوی، وزیر سابق اطلاعات، معصومه ابتکار معاون پیشین رئیس‌جمهور، محسن مهرعلیزاده، معاون پیشین رئیس‌جمهور (در دوره اصلاحات)، جمشید انصاری معاون حسن روحانی و رئیس سازمان اداری استخدامی کشور، حجت‌الاسلام احمد مازنی نماینده مردم تهران در مجلس دهم، حجت‌الاسلام رحمتا… بیگدلی، استاد دانشگاه، یاسر هاشمی، و

۷ سال پس از ماجرای ادمین‌های بازداشت‌شده کانال‌های تلگرامی

افشاگری دیر هنگام وزیر اطلاعات قبلی

حجت‌الاسلام سیدمحمود علوی؛ ادمین‌های تلگرامی حامی دولت را بی دلیل دستگیر کردند

فشار آوردند که بچه‌ها علیه‌من اقرار کنند

تعدادی از اعضای سابق شورای مرکزی حزب جمهوری‌ت حضور داشتند. در این مراسم محسن مهرعلیزاده با بر شمردن ویژگی‌های نیما کشوری اظهار کرد: مرحوم کشوری، وفادار بود، به عهدی که می‌بست وفا می کرد. با هوش بود، با وجودی که تحصیلاتش حقوقی بود و با زرنگی دنیای خبر و رسانه را شناخت و خبر و تحلیل را به بهترین و موثرترین شکل انجام می‌داد.

دولت ما رسانه نداشت، کشوری» داوطلبانه کمک می‌کرد

وزیر سابق اطلاعات که به‌عنوان یکی از سخنرانان با بیان اینکه نیما کشوری به معنای واقعی یک «لر» بود، اظهار کرد: لر یعنی خالص، بدون شیشه خرده و با صفا. دولت تدبیر و امید رسانه‌ای نداشت. زمانی تلگرام ظهور کرد، جمعی از جوانان با ایمان وقتی مطلوبیت این دولت را دیدند، در تلگرام کانال‌هایی راه‌اندازی کردند و از دستاوردها و عملکردهای دولت تدبیر و امید گزارش و خبر منتشر می‌کردند. حجت‌الاسلام علوی در خصوص بازداشت ادمین‌های کانال‌های تلگرامی بیان کرد: بااین تصور که ما به این دوستان ادمین کانال‌های تلگرامی پول و اطلاعات می‌دهیم، در یک بامداد ریختند و حدود ۸ نفر از آن‌ها را دستگیر و راهی زندان کردند، بعد متوجه شدند که هیچ پولی و اطلاعاتی در خطایی در کار نیست. اطلاع کرده بودند که هیچ‌کس را دستگیر کرده‌اند و برای آزادکردن آن‌ها گیر کرده بودند؛ لذا آن‌ها را تحت فشار قرار دادند که اقرار کنند از علوی پول گرفته‌اند. چند نفری از این جوانان مطالبی گفته بودند که زودتر آزاد شوند. نیما کشوری و یک دوست دیگرش مقاومت کردند و گفتند، چرا وقتی پولی نگرفته‌ایم باید اقرار دروغ بر علیه آقای علوی بکنیم؟. نیما کشوری محکم گفت من بی‌گناهم و باید از‌آد شوم و حق ندارید آزادی‌من را به اعتراف تحت فشار من موکل کنید. روح‌ت شاد نیما کشوری.

«آرمان ملی» تازه‌ترین تحولات جنگ حماس با رژیم اسرائیل را بررسی می کند؛

حضور زمینی تل آویودر غزه؛ بلوف یا ریسک؟

تحلیلگران در این ارتباط معتقدند اسرائیل طی حملات ویرانگری که به نوار غزه داشته است عملاً بخش‌هایی از غزه را خالی و غیر قابل سکونت کرده اما با پروپاگاندا رسانه‌ای که در این زمینه آغاز کرده عملاً میخواهد فلسطینیان به صورت رسمی غزه را خالی کنند تا بتواند با کمترین هزینه به این باریکه نفوذ کرده و حتی بخش‌هایی از آن را به فلسطین اشغالی الحاق نماید.

صدای زنجیر تانک‌های اسرائیل

از سوی دیگر برخی رسانه‌ها مدعی شده‌اند که تانک‌های اسرائیل آماده‌اند تا از طریق زمینی به غزه ورود کنند و بنابر گزارش آنها، تحرکات نیز در این جهت از سوی صهیونیست‌ها دیده شده است. اگر استراتژی صهیونیست‌ها حضور زمینی در غزه باشد باید دید آیا آن‌ها صرفاً با تانک در غزه حاضر خواهند شد یا اینکه قرار است تعداد قابل توجهی نیروی زمینی نیز با پشتیبانی هواییماها و تانک‌ها و توپخانه‌های اسرائیل به غزه ورود کنند؟ واقعتاً آن است که مشخص نیست چه در انتظار ساکنان غزه و حتی اسرائیلی‌های متجاوزی است که قصد دارند به غزه ورود کنند. اسرائیل تا همین روزهای قبل از جنگ فکر می‌کرد که

حماس در جنگ‌های مختلف عملاً توان موشکی و نظامی خود را از دست داده است یا این وجود برق موشک‌های حماس، چشم آن‌ها را شبانه زده؛ به طوری که برای چندین ساعت گیج بودند. برخی تحلیلگران معتقدند اسرائیل در شناخت قدرت زمینی حماس، تحلیل و شناخت دقیقی ندارد و تنها با تکیه به عملیات مخربی که ظرف چند روز گذشته از طریق هوپیماهای خود در غزه انجام داده به این احتمال رسیده که حماس عملاً تجهیزاتی برای مقابله با ورود نظامی اسرائیل به خاک غزه از طریق زمینی ندارد. از دیدگاه این ناظران سیاسی ممکن است تلفات تانک‌ها، نفربرها و پیاده نظام رژیم صهیونیستی بعد از ورود به غزه چنان افزایش یابد که آنان از حضور خود در غزه بشیمان شوند. برخی نیز البته اطمینان دارند که اسرائیل اگر هم به این اقدام دست نزند اقدامات و نمایشی است و تنها می‌کوشد چند شهرکی را که توسط نیروهای حماس از صهیونیست‌ها خالی شده، پس بگیرد. اخیراً ژنرال‌های مقاومت اعلام کرده‌اند که اسرائیل از توان نظامی آن‌ها با خیر نیست و نمی‌داند در صورت ادامه جنگ چه بلایی بر سر آن‌ها خواهد آمد. حماس یک نیروی نظامی رسمی کلاسیک نیست که بتوان رفتارهایش را پیش‌بینی کرد اعضای حماس چریک‌هایی هستند که ممکن است دست به هر اقدامی در برابر تجاوز به باریکه غزه بزنند. این موضع زمانی مهم می‌شود که سخنان پوتین را در مورد اقدام اسرائیل در ورود زمینی به غزه مورد بررسی قرار دهیم. پوتین در این ارتباط گفته است: هدف مذاکرات (برای پایان دادن به جنگ غزه) باید اجرای فرمول

^[1] تحلیلگران در این ارتباط معتقدند اسرائیل طی حملات ویرانگری که به نوار غزه داشته است عملاً بخش‌هایی از غزه را خالی و غیر قابل سکونت کرده اما با پروپاگاندا رسانه‌ای که در این زمینه آغاز کرده عملاً میخواهد فلسطینیان به صورت رسمی غزه را خالی کنند تا بتواند با کمترین هزینه به این باریکه نفوذ کرده و حتی بخش‌هایی از آن را به فلسطین اشغالی الحاق نماید

گزارش

مسعود نیلی مطرح کرد

گروگان‌گیران اقتصاد ایران

رونمایی از ۸ مهتم اصلی

اقتصاد ایران با مشکلات و مصائب بسیاری روبه‌رو است و هر دولتی هم که آمده با وعده‌های پرطمطراق اقتصادی نتوانسته آن‌طور که باید ساختار اقتصادی کشور را متحول کند و شرایط برای رشد و توسعه اقتصادی، انضباط پولی، مالی و اداری و… فراهم سازد. از همین‌رو است که همه دولت‌ها با مشکلات اقتصادی به‌عنوان مهم‌ترین مشکل دست به گریبان هستند و دست و پنجه نرم می‌کنند. این در حالی است که اقتصاددانان راهکارهای مختلفی را برای حل این مساله و مشکلات اقتصادی مطرح می‌کنند. یکی از این افراد مسعود نیلی، اقتصاددان، استاد دانشگاه است که از دیدگاه او موانع رشد اقتصاد ایران در سیاست خلاصه می‌شود.

▲ موانع رشد اقتصاد کشور

مسعود نیلی که در دولت روحانی دستیار اقتصادی رئیس‌جمهوری بود و به‌تازگی از سمت خود در دانشگاه شریف بازنشسته شده است، اعلام کرده است: رشد اقتصادی سالانه ایران از سال ۱۳۶۰ تا کنون به‌طور متوسط حدود ۳/۱ درصد و تولید ناخالص سرانه حدود ۲ درصد بوده است. بر اساس این اعلام تورم مزمن بالا، بیکاری، فقر، توزیع نابرابر درآمد و مشکلات محیط‌زیستی در این کارنامه قرار گرفته‌اند. در واقع می‌توان گفت فارغ از نوسانات کوتاه‌مدت، عملکرد بلندمدت راضی‌کننده نیست. وی با اشاره به اینکه عملکرد بلندمدت را اصولاً سیاست‌های بلندمدت می‌سازند، نه منابع طبیعی یا شوک‌های مقطعی یا موضوعات دیگر تأکید کرده است: در اقتصاد ایران هم سیاست‌های بلندمدتی مقصر اصلی هستند که از هویت نظام حکمرانی نشأت می‌گیرند. نیلی در این نوشتار مهم‌هشت سیاست را که مانع رشد اقتصادی در ایران بوده است، به این شرح فهرست کرده است: بنا بر اعلام وی درگیری با تنش‌های خارجی که طی دهه‌های گذشته تبدیل به جزء پایداری از زندگی اقتصادی و سیاسی ایرانیان شده است در صدر این فهرست قرار دارد. مساله دوم؛ کسری بودجه مزمن و پایدار دولت بود که از دهه چهل به‌ر قرار بوده. این کسری بوده‌جه هم با روش اشتباه پولی کردن کسری بودجه تأمین می‌شود. نیلی سوئمن نکته را تعیین دستوری نرخ بهره بانکی (معمولاً پایین‌تر از تورم) که از برداشت اشتباه سیاست‌گذاران از اقتصاد اسلامی تأثیر گرفته. چهارمین نکته نظام ارزی چند نرخی است. در واقع در ۳۵ سال اخیر، در ۲۵ نظام نظام چندنرخ‌ای برقرار بوده و اکثر سال‌های نظام تک‌نرخ هم صرفاً تحت‌تأثیر وفور و زرف نقتی در دست دولت بوده است. قیمت‌گذاری دستوری دولت نکته پنجم مورد اشاره است. در ایران اگر دولتی دست به قیمت‌گذاری قاطعانه ن‌زند، بی‌عرضه تلقی می‌شود و این نگاه اشتباه وجود دارد که دولت‌های مقابله با افزایش قیمت‌ها باید به مقابله با کسبه «متخلف» و قیمت‌ها بپردازد. مساله بعدی نظام تعرفه‌ای خاص اقتصاد ایران است. در واقع واردات کالا به ایران با تعرفه‌های بالا و بسیار پیچیده همراه است. علاوه بر این، موانع غیر تعرفه‌ای هم زیاد است (مثل ممنوعیت کلی واردات لوازم خانگی). هفتمین مشکل عرضه ارزان قیمت انرژی که جزو خاصیت حکمرانی اقتصادی ایران این بوده و هست. و در نهایت نظام بنگاه‌داری عظیم غیر خصوصی و غیر رقابتی در ایران آخرین و هشتمین نکته مورد اشاره این اقتصاددان محسوب می‌شود که معتقد است: غیر از بخش خصوصی، انواع مالکیت‌های حاکمیتی، بخش عمومی، بخش نظامی و بخش دولتی وجود دارند.

▲ دلیل دوام سیاست‌های اشتباه چیست؟

وی با طرح این پرسش که چرا این سیاست‌ها با آنکه غلط هستند دوام می‌آورند؟، تأکید کرده است: نشان پایدار و بلندمدت بودن این موارد این است که سیاست‌های اصلاحی‌گاه به‌گاه در این موارد نتوانسته آن‌ها را به کلی از اقتصاد ایران حذف کند. ملاحظاتی مانند موانع موانع غیر تعرفه‌ای تجارت یا اصلاح قیمت حامل‌های انرژی مدنظر بوده، اما این اقدامات کوتاه‌مدت نتوانسته به موفقیت برسد. این موارد نشان‌دهنده ریشه داری این هشت سیاست و گرده‌خوردن آن‌ها به ماهیت نظام حکمرانی کشور است. او در پاسخ به این پرسش که سیاست‌های مخرب هشت‌گانه از چه طریقی به نظام حکمرانی ما راه پیدا کرد؟ نیز گفته است: ریشه برخی از این سیاست‌ها، به باورهای ایدئولوژیک ابتدای انقلاب برمی‌گردد. برای نمونه، فهم سیاست‌گذاران اولیه از شعار استقلال، تقابل با غرب بوده. این موضوع باعث شده دولت به‌نقش مسلط در روابط خارجه اقتصاد «خودکفایی» به‌عنوان شعار را رهبردی تبدیل شود. شعار عدالت هم تحت‌تأثیر یک برداشت خاص قرار داشته که از دهه چهل از مارکسیسم تأثیر پذیرفته؛ این نگاه عدالت را عرضه ارزان کالا و خدمات به مردم می‌داند. بنابراین در تعیین نقش دولت، حرف از تأمین کالاهای عمومی نیوده بلکه عملاً دولت ورود خود به تأمین کالاهای خصوصی (که از آن به‌عنوان «سفره مردم» یاد می‌شود) را مسلم می‌دانسته. این باور عملاً سازوکار بازار را ضد ارزش‌های انقلاب فرض می‌کرده. این وضعیت باعث شده دولت مالکیت واحدهای تولیدی را برعهده بگیرد و منابع طبیعی و مالی و انرژی را ارزان عرضه کند.

▲ ۸ سیاست غلط چگون‌ه به هم پاس می‌دهند؟

این هشت سیاست تبعات جدی دارند. به‌عنوان نمونه به هم افزایی سه سیاست اول می‌پردازیم. وقتی هم‌زمان تنش در روابط خارجی و کسری بودجه دولت وجود دارد و نظام بانکی هم به‌مدلبل نرخ بهره دستوری دچار ناترازی است، عوامل دوم و سوم باعث رشد نقدینگی می‌شود و عامل اول منجر به افزایش هزینه مبادله با خارج و در نتیجه فشار به بازار ارز می‌شود. هم‌زمانی این‌ها با تحت فشار قرار گرفتن منابع ارزی کشور باعث می‌شود نقدینگی به سمت بازار ارز حرکت کند و باعث افزایش نرخ شود. چون سیاستگذار نمی‌خواهد به عامل تنش خارجی دست بزند، به تعیین نرخ‌های اداری متفاوت با نرخ بازار دست می‌زند و واردات کالاها را به نرخ‌های متفاوت ارز می‌زند. در این زمان، استمرار کسری بودجه و تنش‌های خارجی باعث افزایش فاصله نرخ از بازار و نرخ‌اداری می‌شود و به انواع فساد دامن می‌زند. در نهایت ترکیب این هشت سیاست منجر به فساد ارزی، قاچاق کالا، تضعیف تجارت خارجی، بی‌عدالتی، بحران آب و برق و گاز و… می‌شود. به بیابانی دیگر اقتصاد ایران گروگان این هشت سیاست است.